

## تجربه ای دیگر از تصرف کارخانه توسط کارگران در اروپا

فریده ثابتی

سه شنبه نوزدهم آذر ۱۳۸۷

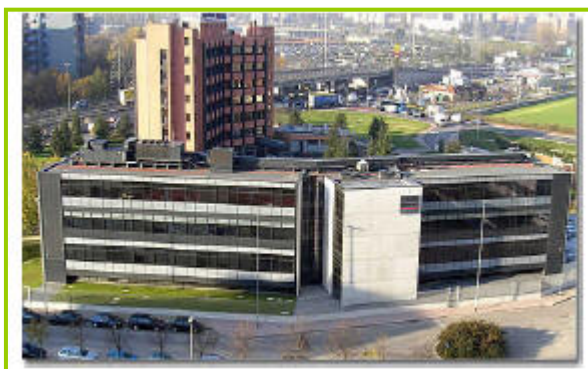
« مبارزه کارگران اینزه (INNSE) در میلان اعتصاب نیست، چیزی که همواره از آن به عنوان اعتصاب وحشی (غیرقانونی) نام می برند. این یک مبارزه کاری غیرمعمول است که همه گونه اشکال ممکن عمل غیر از اعتصاب را به هم پیوند داده است؛ زیرا اعتصاب وقتی که مالک کارخانه می خواهد کار بخوابد تا بتواند کارخانه را تعطیل کند، معنایی ندارد.» (بخشی از گزارش یک کارگر از زوریخ سویس)

### کارخانه INNSE در کلان شهر میلان یا مایند

کارخانه در سال ۱۹۳۳ با نام INNOCENTI به عنوان تولید کننده ماشین های سنگین برای بازارهای جهانی تاسیس شد. در سال ۱۹۷۲ به گروه IRI ایتالیایی فروخته شد که تحت مالکیت دولت ایتالیا در آمد و نامش به INNSE تغییر یافت. تدریجا و سپس به طور کامل در سال ۱۹۹۹ به بخش خصوصی واگذار شد. استاندارد تولیدات کارخانه با درجه بالای ISO ۹۰۰۱ بود، که



گفته می شد علت این موفقیت وجود کارگران بسیار ماهر است. اما یک سال بعد در سال ۲۰۰۰ ادعا شد که این کارخانه که تاکنون به خوبی فعالیت می کرد و شرکای کاری و مشتریانی در سراسر دنیا از جمله در ایالات متحده آمریکا، سوئیس، اسپانیا، برزیل، چین، هند، آفریقای جنوبی و استرالیا داشت، با مشکل مواجه شده است. با اخراج و بازنشسته کردن پیش از موعد اکثریت کارگران، فعالیت های کارخانه را از بخش مهندسی فلزات به بخش فولاد منتقل کردند. کارخانه در مکانی از نظر سوق الجیشی بسیار عالی در نزدیکی شهر و در مجاورت فرودگاه بین المللی میلان قرار دارد.



قبلا در این کارخانه ۲۲۰۰ نفر کار می کردند. سرمایه دار به طور سیستماتیک و با برنامه در آغاز ۸۰۰ کارگر را پیش از موعد بازنشسته کرد. بعد نوبت اخراج ها رسید. آن چه که امروز از آن تعداد باقی مانده فقط ۵۰ کارگر است، ۱۴ کارگر زن و ۳۶ کارگر مرد. کارخانه کماکان کار می کرد و قرارداد های چند ساله می بست، یعنی برای محصولاتش از پیش مشتری

فراهم بود. ساختمان کارخانه در میان هکتارها زمین قرار دارد که به علت وجود همین کارخانه منطقه صنعتی محسوب می شود. اما اگر ماشین ها به هر دلیل از این ساختمان بیرون برده شوند این منطقه دیگر منطقه صنعتی نخواهد بود و می شود در آن آپارتمان های لوکس با مراکز خرید و پارک ساخت و سودهای میلیاردی به جیب زد.

همین چشم انداز و جذابیت طلایی بود که صاحب کارخانه و شرکت مالک زمین به فکر انداخت تا به قیمت خانه خراب کردن کارگران در بخشی که به دلیل فساد مالی و وجود رشوه خواری در آن نرخ سود بسیار بالاتر و زمان دگرذیبی پول به سرمایه بسیار کوتاه تر است سرمایه گذاری کنند.

در ۳۱ ماه مه ۲۰۰۸ در اطلاعیه ای از طرف کارفرما به کارگران اطلاع داده شد که کارخانه تعطیل و آن ها اخراج هستند. کارگران بلافاصله جلو در کارخانه جمع شدند. نیروهای پلیس، نیروهای امنیتی خصوصی، پادوهای کارفرما و محافظان وی جلو کارخانه صف بسته بودند و مانع ورود کارگران به داخل سالن های تولید می شدند. بالاخره در ساعت ۲ بعد از نیمه شب کارگران توانستند با فریب دادن آن ها وارد ساختمان شوند و کارخانه را به تصرف خود در آورند. کارگران در اطلاعیه ای در ۲۸ ژوئیه می نویسند:

«ما کارخانه را تصرف کردیم و کارگران را برای تشکیل مجمع عمومی فراخواندیم. شورای کارخانه را تشکیل دادیم. بعد از ۲ روز کارخانه را راه انداختیم و برگه اخراج کارفرما را با سرو صدای ماشین ها به گور سپردیم. با مشتری ها ملاقات کردیم و وارد گفتگو شدیم. مشتری هایی پیدا کردیم که حاضر شدند با ما قرارداد سه ساله ببندند. با خودگردانی تولید کردیم و همه خدمات را خود به عهده گرفتیم. ما شب و روز در کارخانه ماندیم، حتی در روزهای تعطیل. کارخانه بار آور است، گرچه کارفرما ادعا می کند که این طور نیست. او کارخانه را در اداره مخصوص صنایع در وضعیت اضطرار ثبت کرد تا از کمک های دولتی و وام های ارزان و معافیت مالیاتی استفاده کند. اما ما می دانیم که عامل اصلی تعطیل کارخانه زمین آن است. آن ها می خواهند یک بنای تاریخی صنعتی را تخریب کنند، کارخانه ای را که تاریخی طولانی دارد و " سمبل مقاومت" در این منطقه است. آن ها - صاحب کارخانه، مالک زمین و بانک ها - می خواهند کارگران را زیر فشار له کنند. کارخانه تنها امکان ما و خانواده های ما برای زنده ماندن اقتصادی است. بسته شدن یک کارگاه به معنای از بین رفتن مشاغل آن برای همیشه است. ما چنین اجازه ای را به آن ها نخواهیم داد. ما باقیمانده کارگران کارخانه برای همه کارگران و برای اخراج شده ها مبارزه می کنیم. طی این یک ماه تصرف کارخانه یکی از همکاران ما در اثر سکته قلبی فوت کرد. بی شک فشارهای حاصله در این حادثه نقش مهمی در مرگ او داشت.»

در ماه ژوئیه ماموران اداره برق آمدند تا برق کارخانه را قطع و تولید را متوقف کنند. یک بار فعالان اتحادیه ای آمدند و از معدودی کارگر که نمی خواستند رام شوند، تعجب کردند. آن ها کارگرانی را که علیه اخراج خود مقاومت می کردند همچون موجوداتی غیرعادی و به عنوان بقایای زمان گذشته نگاه می کردند. آن ها در مقابل کارگران حالت تدافعی گرفتند و از فراخواندن کارگران کارخانه های دیگر به حمایت از این کارگران سرباز زدند. با وجود همه این ها، کار روند عادی دارد. کامیون ها مواد اولیه می آورند و محصولات تمام شده را می برند.

کارفرما هم بیکار ننشسته است و جنگ را ادامه می دهد. با همکاری اداره تلفن ارتباط تلفنی کارخانه را قطع کرده است. اما کارها با تلفن همراه پیش می رود. شرکتی که کانتینر غذا را اجاره کرده بود با درخواست کارفرما محل کارخانه را ترک کرد. اما کارگران در این زمینه نیز خود اقدام کردند و تهیه غذا را به عهده گرفتند. کمک های غذایی و مالی فراوانی برایشان رسید. شب ها کشیک گذاشته اند و کار از ساعت شش و نیم صبح آغاز می شود و در دو شیفت تا ساعت ۲۳ ادامه دارد.

بعضی ها فکر می کنند که بدون کارفرما کار تولید پیش نمی رود. اما این کارگران خود را سازمان دهی کردند و به کار ادامه دادند و نشان دادند که آن ها که کار شاق تولید را انجام می دهند به همان خوبی هم می توانند با تشکیل شوراهای خود برنامه ریزی و مدیریت کنند و تصمیمات لازم را نیز خود اتخاذ نمایند.

در ۲۲ اوت احکام اخراج کارگران از تورین - محل زندگی کارفرما - برایشان فرستاده شد. اما کارگران به کار خود ادامه دادند و وکلایشان کارهای قانونی را تعقیب می کردند. در دوم سپتامبر وزارت توسعه اقتصادی از صاحب کارخانه خواست که احکام اخراج کارگران را پس بگیرد. در این بین سرمایه داری پیدا شد که حاضر شد کارخانه را بخرد و تولید را با کارگران ادامه دهد. اما صاحب کارخانه با آن مخالفت کرد. کارگران پیام دادند که ما برای حفظ کار خود به مبارزه ادامه می دهیم و تسلیم هیچ حکم قانونی نمی شویم.

اکنون ۱۰۰ روز از تصرف کارخانه و اداره شورایی آن می گذرد. اما کارفرما جز اخراج پیشنهاد دیگری نداده است و وکلای مبرزی را برای مبارزه با کارگران به خدمت گرفته است. ۱۸ سپتامبر رئیس پلیس میلان همراه نیروی پلیس و پلیس سیاسی به کارخانه آمد و از کارگران خواست کارخانه را تخلیه کنند. این که چرا پلیس سیاسی به خدمت گرفته شد اهمیت موضوع را می رساند. دولت مسئله را نه یک مبارزه کاری بلکه مبارزه ای طبقاتی می بیند که سلطه سرمایه را زیر سؤال می برد و قدرت آن را درهم می ریزد و به مناسبات قدرت آسیب می رساند. با خواست تخلیه کارخانه، سایر کارخانه ها شروع به حمایت از رفقای کارگر خود کردند، گرچه دیرآغاز کرده بودند. می باید از همان شروع حرکت کارگران از همدیگر حمایت کنند. چنین حمایتی جبهه کارگران را در مقابل کارفرما تقویت خواهد کرد و ادامه مبارزه را راحت تر خواهد ساخت.

در ۲۲ سپتامبر، ۱۲۰ روز بعد از تصرف کارخانه، نیروهای پلیس کارگران را با زور از ساختمان کارخانه بیرون کشیدند اما کارگران تسلیم نشدند. آن ها انبار کارخانه در فضای باز و ساختمانی را که یک طرف آن دیوار نداشت تصرف کردند و بخشی از خیابان را بستند. آن ها رفت و آمد به طرف کارخانه را کنترل می کنند. اما جز نیروهای پلیس و همراهانشان، اغلب کسانی که به کارخانه می آیند برای حمایت می آیند. بعد از مستقر شدن کارگران در بیرون از سالن تولید کارخانه حمایت ها از همه نوع افزایش یافت: از پیشنهاد کار توسط کارگران کارگاه در بلیزونا، تا کارگری که با دوچرخه آمد و پولی را که کارگران برای کمک به رفقای کارگیشان جمع کرده بودند از جیب لباس کار آبی اش بیرون آورد، تا کارگران شرکت جابیل که صبح با سینی پر از شیرینی و بیسکویت آمدند، تا نوجوانان مرکز مستقل بارادونا که با کیسه ای پر از نان و پنیر و سوسیس و کالباس آمدند، تا آن هایی که نوشابه و قهوه آوردند، تا...، تا....

اکنون کارخانه از خارج به تصرف درآمده و مسئله شرایط زمانی و شروع فصل سوز و سرما و برف مسئله ای حیاتی است. کارگران با کمک های دریافتی برای ساختمان دیواری از پلاستیک درست کردند و وسایل پخت و پز را آماده نمودند. کمک های غذایی و مالی همواره در راه است و کارگران را به ادامه مبارزه یاری می رساند. نماینده ای از کارگران کارخانه ترافیلاتی- رانه از منطقه آکراته به دیدار کارگران آمد. کارگران کارخانه دیگری که مالکش قصد تعطیل آن را دارد به بازدید کارگران اینزه آمدند. آن ها می خواهند داستان دیگری از مبارزه علیه تعطیل کارخانه و اخراج را آغاز کنند.

بعد از ۵ ماه دبیرکل اتحادیه متال (FIOM) رینالدینی از محل کارخانه بازدید کرد!!! کارگران گزارشی از آن چه که اتفاق افتاده بود و آن چه که انجام داده بودند بیان کردند، تجربه ای که برای اتحادیه به گذشته های دور تعلق داشت، تجربه ایستادگی کارگران در مقابل تصمیم کارفرما و اتحادیه برای تعطیل کارخانه، تجربه ای که از نظر اتحادیه نه تنها "وحشی" بلکه کفر است، تجربه ای که عناصر جدیدی از مبارزه را به میان کشید و همه را به فکر واداشت.

در ۱۲ اکتبر نمایندگان شوراهای کارگری ۶ کارخانه دیگر میلان که در معرض تعطیل کارخانه و اخراج کارگران قرار دارند برای دیدار به اینزه آمدند و در سالن بزرگ دیواره پلاستیکی اولین گردهمایی شوراهای کارگری انجام شد. این واقعه برگ زرینی به تاریخ مبارزات طبقه کارگر جهانی افزود. نمایندگانی از کارگاه پیرلی سی کوکای میلان با ۸۰۰ بازنشسته اجباری و ۱۲۰ اخراجی، از کارگاه هوفمن ری مونزا که کارفرما می خواهد ۱۴ کارگر از ۳۷ کارگر شاغل را اخراج کند که در بین اخراجی از اعضای شورای کارگران نیز وجود دارد. اتحادیه تا کنون در مقابل این تصمیم ها اعتصابی را اعلام نکرده و یا در مقابل اخراج آلترناتیوی چون کاهش ساعات کار را ارائه نداده است. از کارخانه جابیل دی کازینا یا زیمنس سابق که کارفرما با تحت فشار قرار دادن کارگران امیدوار است که کارگران خسته شده خود تقاضای پایان کار بدهند. از کارخانه انسالدو میلانو که بعد از تغییر مالک کارخانه، مالک جدید اعلام کرده است که قرارداد جمعی کار سابق را قبول ندارد و اندکی بعد از آن که کارگران به عنوان اعتراض اقدام به اعتصاب کردند، کارفرما آن ها را به تعطیل کارگاه تهدید کرد.

در پایان این گردهمایی نتیجه گرفته شد که مبارزه کارگران اینزه باید سرمشقی برای کارگاه های دیگر باشد و قرار دومین دیدار را گذاشتند و تصمیم گرفتند از سایر کارخانه ها برای شرکت در نشست دعوت به عمل آورند. همین مبارزه، همین دیدارها، همین نتیجه گیری ها و همین تصمیم ها و همین اقدام کارگران به عمل مستقیم زنگ خطر را برای سرمایه به صدا درآورد، سرمایه ای که زمانی طولانی است که در اروپا به دلیل رخوت مبارزات طبقه کارگر در اثر نقش مخرب اتحادیه های کارگری و به حاشیه رانده شدن کارگران، دوران خوش ثبات را می گذراند.

بعد از دوماه امتناع کارفرما از پرداخت دستمزدهای کارگران، در نیمه اکتبر دستمزدها پرداخت شد. هر روز موقع نهار اول گزارشی از حمایت های رسیده آن روز داده می شود. سپس به طور جمعی راجع به مسایل به بحث می پردازند تا همه کارگران به وضوح روشن شوند. کسی افسرده نیست و همه با امید به مبارزه ادامه می دهند. امکان ادامه حرکت بدون حمایت هایی که از نقاط مختلف می رسد، وجود نداشت. یک کامیون، تکه های چوب برای درست کردن دیواری چوبی به جای دیوار پلاستیکی آورده است تا کارگران برای زمستان آماده شوند. در ۱۲ اکتبر نمایندگانی از کارگاه اوفیسینا به دیدار کارگران آمدند. در ۲۸ اکتبر کارکنان مرکز تحقیقات الکترونیک که درست در آن سمت خیابان کارخانه قرار دارد و قبلا حمایت خود را از کارگران اعلام کرده بودند و از آن ها خواسته بودند که به مبارزه ادامه دهند و تسلیم فشار کارفرما نشوند، کمک های مالی خود را برای کارگران آوردند. در همین هفته ملاقاتی بین مالک کارخانه و خریدار جدید که از گروه ORM است انجام شد. تا کنون کوشش های مالک برای بیرون بردن ماشین آلات از ساختمان کارخانه بی ثمر مانده است.

با سررسیدن نوامبر ماه ششم تصرف کارخانه آغاز شده است. کارگران در فکر ساختن حفاظی برای جلوگیری از سرما در انبار فضای باز هستند. اتاق را بزرگتر کرده اند و به شکل L در آورده اند و به جای پلاستیک از چوب

های هدیه شده دیواری چوبی ساخته اند و یک کوره برای گرما آماده کرده اند که فقط نیاز به چوب یا ذغال برای سوخت دارد. کارگران از حمایت های عظیمی که از آن ها می شود و امکان ۶ ماه مبارزه را به آن ها داده است سپاسگزارند. این مبارزه فقط مبارزه کارگران اینزه نیست. مبارزه همه کارگران است. مالک کارخانه هم تنها نیست. همه ی ابزارهای قدرت با او همراه هستند؛ دولت ایتالیا نیز با این کارگران می جنگد و به همین دلیل معامله با این کارگران را ممنوع اعلام کرده است. همه ماشین سرکوب سرمایه، پلیس، پلیس سیاسی، نیروهای امنیتی خصوصی، محافظان کارفرما و پادوهای او همه و همه در مقابل ۵۰ کارگر ایستاده اند. زیرا آن را نه مبارزه فقط ۵۰ کارگر بلکه تلنگری بر مرداب ۸۰ ساله رفرمیسم حاکم بر مبارزه طبقه کارگر می بینند و آغاز دوباره مبارزات طبقه کارگر که می تواند از حد حفظ کار فراتر رود و به مصاف سرمایه در جنبشی علیه کارمزدی بینجامد. همه نیروهای سرمایه داری می دانند که اگر کارگران در این مبارزه پیروز شوند، این پیروزی چون جرعه ای در شالیزار خشک رخوت و سکون مبارزه طبقه کارگر اروپا آتش به پا می کند.

۱۰ نوامبر مالک از دادگاه اجازه بازدید از کارگاه را گرفت تا نشان دهد که هنوز مالک کارخانه است و اقتدار دارد. اما کارگران زیر بارش شدید باران با ایجاد دو ردیف زنجیر انسانی جلو در ورودی کارخانه او را وادار به بازگشت کردند. صبح زود روز ۱۸ نوامبر دوباره کارگران شرکت گاز با این تصور که کارگران چندانی در محل حضور ندارند برای قطع انشعاب گاز آمدند. اما باز هم موفق نشدند.

بعد از این که ملاقات بین خریدار جدید و مالکان زمین کارخانه که خواهان دریافت اجاره پرداخت نشده همراه با پاکسازی ساختمان از ماشین آلات و بیرون کردن کارگران از محل تصرف شده هستند بی نتیجه ماند، کارگران به عنوان اعتراض اتوبان را بستند و این را با بلندگو اعلام کردند. حالا دیگر مالکان زمین هم عملاً به مخالفان افزوده شده اند. هفته پایانی نوامبر را کارگران با هیجان زیادی به پایان رساندند. صاحب کارخانه اعلام کرد که کارخانه را به هیچ کسی که قصد بازگشایی آن را داشته باشد نه می فروشد و نه اجاره می دهد. بی تردید، قول و قرارهایی بین صاحب کارخانه و شرکت مالک زمین برای بیرون بردن ماشین آلات و خارج کردن منطقه از شمول مناطق صنعتی انجام گرفته است تا زمین کارخانه برای آپارتمان سازی آماده شود. در حالی که جلسه ای به دعوت وکیل شرکت مالک زمین با شرکت نماینده شورای کارگران و مدیرکل اداره کار میلان برگزار بود، نیروهای نظامی و پلیس امنیتی برای تخلیه کارخانه فرستاده شدند.

مبارزه وارد مرحله جدیدی شده است. اگرچه همین که این ۵۰ کارگر در مبارزه علیه سرمایه و علیه دولت سرمایه داری ایتالیا با همه ابزار سرکوبش توانسته اند ۶ ماه بایستند و مقاومت کنند، همین که توانسته اند کارگران دیگر را به حرکت در آورند، همین که توانسته اند چنین حمایت گسترده ای را به دست آورند، تا همین جا نیز برنده این مبارزه کارگران هستند حتی اگر موفق به استمرار تولید در کارخانه نشوند.

فریده ثابتی

دسامبر ۲۰۰۸

منبع: LabourNet Germany

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری